

مانی
نوشته
آخرین

(روایت یک بیمار)

دکتر عبدالرضا ناصر مقدسی



فرهانه

تهران ۱۳۹۵

سرشناسه: ناصر مقدسی، عبدالرضا، ۱۳۵۷-

عنوان و نام پدیدآور: آخرین دست‌نوشته مانی روایت یک بیمار / عبدالرضا ناصر مقدسی.

مشخصات نشر: تهران: فرهامه، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۹۰ ص.: مصور (رنگی)، جدول، نمودار

(بخشی رنگی): ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۴۳-۹-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

داشتن کپی‌نامه.

یادداشت نمایه.

عنوان دیگر: روایت یک بیمار.

موضوع: مانویسم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۶۳ ن/۱۴۱۰ BT

رده‌بندی دیویی: ۹۲۲/۲۹۹

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۵۲ ۴۱۱



www.farhameh.com

farhameh@gmail.com

۰۹۱۰۴۵۱۷۱/۱

اخبار دست نوشته مانی

روایت یک بیمار

حق چاپ: ۱۳۹۰، فرهامه

نوبت چاپ: اول

مؤلف: دکتر عبدالرضا ناصر مقدسی

طراح جلد و صفحه آرایی: استودیو گرافیک شین

www.shingraphic.com

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۱۵۰۰۰ تومان

حروف متن: میترا ۱۴ روی ۱۴

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه

نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، غیر مجاز است.

اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی) غیر مجاز است.

در گیومه در مستند نویسی، و مانند آنها بدون مجوز کتبی از ناشر

ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۱۱	سر آغاز
۱۹	راز نخست: دیدار با مانی
۲۷	راز دوم: بر سر دیوارهای تصویر خویش می‌گریم
۴۷	راز سوم: جلال یک بیچاره با نور و تاریکی
۷۳	راز چهارم: مردی در جستجوی
۸۵	منابع
۸۹	نمایه

سرآغاز

این کتاب، نوعی ادای دین به مانوی است. مانوی یکی از مهم‌ترین متفکران، در طول تاریخ اندیشه در ایران می‌باشد که متأسفانه روح، مختلف فکری وی واکاوی نشده است. من اما در اینجا به هیچ‌وجه داعیه بررسی افکار وی را ندارم. بلکه بر آنم که در بستر آن چیزی که اسطوره‌درمانی می‌نامم به بررسی وی بپردازم. بارت دیگر به تجربه این آیین رازآمیز بپردازم.

به راستی چگونه می‌توان در جهان پیچیده کنونی تجربه آیین مانوی را ادعا کرد؟

ثنویت مانوی به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست. وحدانیت یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تفکر بشری محسوب می‌گردد. از سوی دیگر، اساطیر مانوی بسیار عجیب و پیچیده می‌نمایند. وقتی متوجه می‌شویم که مانوی هم‌دوره افلاطون بوده است، این تعجب دوجندان می‌شود. به نظر می‌رسد در دوره مانوی زمان اندیشه‌های بی‌اندازه پیچیده

و پر شاخ و برگ اساطیری به پایان رسیده و نوع بشر خیزی طولانی برای پنداشت فلسفی برداشته بود. پس این آیین چه چیزی می‌تواند داشته باشد که در جهان جدید قابل تجربه کردن باشد؟

مهم‌ترین مفهومی که ما را به امکان کارایی آیین مانی در جهان جدید رهنمون می‌سازد همانا همین مفهوم تجربه اساطیری است. تجربه اساطیری می‌تواند جنبه‌های مختلفی داشته باشد. حضور در آیین و انجام مراسم خود یک تجربه آیینی است که برای هزاران سال پیش را به عمیق‌ترین ابعاد ذهنی خود رهنمون ساخته است. اما تجربه یک اسطوره به شکل آیینی در جوامع مدرن که کم در حال رنگ‌باختن می‌باشد، البته همان‌طور که در کتاب رستاخیز اسطوره شرح داده‌ام این به معنای مرگ اسطوره نیست، بلکه جهان پیچیده جدید با تمام شگفتی‌هایش به مدد پیچیدگی ناگزیر خود و آنچه که «مدل جهان کوچک» نامیده می‌شود، عرصه‌ای برای تجلی دوباره اسطوره فراهم می‌نماید به راستی باید گفت جنبه‌های مهمی از این رستاخیز، پس ریزگی‌های منحصر به فرد اسطوره می‌باشد. در کتاب خرنس بیمار در بستر اسطوره نیز شرح داده‌ام که یکی از مهم‌ترین کارکردهای اسطوره در جهان جدید همانا مفهومی به نام «اسطوره‌درمانی» است. در اسطوره‌درمانی لازم نیست که یک اسطوره با تمام جوانب و ابعاد خود بر یک شرایط پاتولوژیک قابل انطباق باشد، بلکه همان‌طور که استراوس بیان می‌دارد، ساختار یک اسطوره است که به عنوان چهارچوب و زیربنای اصلی اسطوره می‌تواند

قدرت خود را در انطباق با جهان ذهنی افراد که در اینجا یک فرد بیمار است نشان دهد. این موضوع در مورد آیین مانوی نیز صادق است. شاید خود مانوی نیز بدین امر واقف بوده باشد. درواقع، نوآوری‌ها و بینش بلند مانوی چنین امکانی را به آیین او بخشیده که بعد از بیش از ۱۵۰۰ سال هنوز می‌تواند در دنیای جدید تجربه‌ی جدیدی را به ما عرضه دارد. مانوی خود را آخرین پیامبر و فرستاده می‌دانست. اما این به معنی نفی آیین‌های دیگر نیست. بلکه از منظر او کسانی چون بودا و زرتشت و مسیح فرستادگان پیشین دنیای نور محسوب می‌شدند. لذا دین او این انتقادی و شامل جنبه‌هایی از تمام ادیان مذکور به شمار می‌آمد. همین، قدرت انعطاف و دگرگونی را به آیینش می‌بخشید. لذا این مانوی به هر جا که وارد می‌شد رنگ همان دیار را به خود می‌آفرید؛ موضوعی که از علل اصلی گسترش سریع مانویت به شمار می‌آمد. به زبان دیگر، عناصر جدید می‌توانستند بر قالب مانویت قرار بگیرند و شکل و ساختار اصلی این دین را تقلید نمایند. شاید بتوان گفت که آیین مانوی بیش از آنکه محتوای محور باشد، ساختار محور است. همین خصلت است که در ادامه به ما کمک می‌کند تا از چهارچوب مانوی مانویت در درمان یک بیمار سود بجوییم. ما در فصل دوم به صورت مفصل بدین موضوع خواهیم پرداخت.

آنچه در این کتاب آورده‌ام، پیامد چنین تجربه‌ای در طول سالیان دراز است. اما نقطه‌ی مرکزی این تجربه را درمان بیماری تشکیل می‌دهد که من فصل دوم را به طور کامل به شرح آن اختصاص داده‌ام. همین درمان

خاص چهارچوبی را که می‌خواستیم به من ارائه کرد. این چهارچوب شامل ترسیم دنیایی ثنوی در ذهن است که محتوای آن می‌تواند با هر چیزی پر شود. سپس فرارفتن از این ثنویت و رسیدن به آن دنیای نورانی و وحدانی نشسته در پس این ثنویت می‌باشد. به خوبی می‌توان دید که بسیاری در درون خود حامل این ثنویت می‌باشند. ثنویتی که تعارضات عمیقی را برای آنها به ارمغان آورده است.

موضوع دیگری که می‌خواهم در اینجا بدان اشاره کنم مفهوم «گذشته» است. آنچه دربارهٔ گذشته و ماهیت آن به من می‌شود در سایهٔ تحولات عظیم و پیچیدهٔ جهان در حال حاضر می‌باشد. گذشته در سایهٔ آینده معنا پیدا می‌کند و شاید بتوان گفت که گذشته به واسطهٔ کنون و آینده دوباره ساخته می‌شود. پس، برای ارزیابی اهمیت یک واقعهٔ تاریخی که در گذشته رخ داده نباید صرفاً به وقایع و شرایط تاریخی آن توجه کرد بلکه باید دید که این واقعه در بازسازی خود چه معنایی پیدا می‌کند.

این بازسازی به چه معناست؟ بیایید که به هم می‌رسیم به این موضوع نگاه کنیم. یک واقعهٔ تاریخی شامل عناصر بسیار متعددی می‌باشد. اما همهٔ این عناصر و اجزا در ساخت آن واقعهٔ تاریخی هم‌وزن نمی‌باشند. آنچه وزن این عناصر را مشخص می‌کند، تابع موارد مختلف و متفاوتی است. اولویت‌های جامعه و فرهنگ کدام‌ها هستند؟ نحوهٔ شناخت مردمان چگونه است؟ پردازش شناختی مردم هر عصر چگونه بوده است؟ در

کتاب رستاخیز اسطوره: درآمدی بر رابطه مغز و اسطوره در جهان پیچیده جدید، به طور مفصل شرح داده‌ام که چگونه سیستم پردازشی شناختی انسان در جهان پیچیده تغییر می‌کند. با این تغییر، وزن عناصر یک واقعه تاریخی و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر نیز تغییر می‌کند. این گونه واقعیت‌های جدید و گاه پیچیده سر باز کرده و خود را به نمایش می‌گذارند. این راز دگردیسی و بازخوانی یک واقعه تاریخی در بستر زمان است.

بازخوانی و بازسازی تاریخ به میزان بسیاری به مکانیسم حافظه ما مربوط است. اینکه چه چیز را به یاد می‌آوریم بار اساسی و ارزشی آنچه که به یاد می‌آوریم چقدر است. ارزش آن واقعه تاریخی را باز معنا می‌کند. انسان‌ها همواره در روبرو شدن با وقایع جدید به جستجو در حافظه برای یافتن موارد مشابه می‌پردازند. این یادآوری باعث می‌شود تا آنها بتوانند در برخورد با شرایط جدید بهترین راه حل را اتخاذ نمایند. باید توجه داشت که همین مکانیسم یادآوری بیشتر در جستجوی یادآوری مطالبی است که مرتبط با اصل ماجرا و حامل ارزش بالقوه باشد. بدین گونه، مواردی که بی‌ارتباط با موضوع به نظر می‌رسند، کمتر به یاد آورده خواهند شد. این موضوع صرفاً تابع ماهیت واقعی آن واقعه تاریخی نیست، بلکه چنان که گفتیم تابعی از مسائل فرهنگی، ارزشی، احساسی و شناختی نیز هست.

این موضوع در مقاله‌ای که اخیراً در نشریه معتبر نیچر به چاپ رسیده است، مورد واکاوی قرار گرفته و

مشخص شده که موارد بی‌ربط می‌توانند در سایه ارزش‌ها و معناهایی که در آینده کسب می‌کنیم و با ارزش تلقی می‌شوند، بازیابی شده و این بار با قدرت بیشتری به یاد آورده شوند.^۱ همان‌طور که کنسینجر می‌گوید، این تحقیق بدان معناست که اطلاعات جدید می‌تواند وقایع نامرتبط گذشته را کاملاً مرتبط نماید.^۲

انگار هیچ‌چیز پنهان نخواهد ماند. همه‌چیز بازخوانی و بازتعریف خواهد شد و معناها در گذر زمان و با توجه به مفاهیمی که در آینده به دست خواهند آمد، دستخوش دگرگونی‌های ژرفی خواهند شد. از این‌رو، آیین مانی نیز تحت تأثیر این اثر است، که در طول زمان در آن پر رنگ شده محدود نخواهد ماند.

من در این اثر کوچک در سایه مفاهیم نوین، به دنبال همین بازخوانی یادآوری دوباره هستم و فکر می‌کنم که در این اثر، به معنای اصیل آیین مانی در جهان پیچیده جدید دست یافتم. این کتاب مهم‌ترین تجربه زنده من از یک اسطوره قدیمی به ظاهر از دست‌رفته می‌باشد.

در پایان جا دارد از سرکار خانم دکتر معصومه ابراهیمی، مدیریت محترم انتشارات فرهامه، که ویراستار

1. Dunsmoor JE, Murty VP, Davachi L, Phelps EA. "Emotional learning selectively and retroactively strengthens memories for related events". *Nature*. 2015; 520(7547):345-8.

2. Kensinger, EA. "The future can shape memory for the present". *Trends Cogn Sci*. 2015; 19(4):179-80.

این کتاب هم بوده‌اند، نهایت تشکر را داشته باشم. بی‌شک اگر این اثر توانسته راهی به جایی ببرد مرهون نقطه‌نظرات اندیشمندان ایشان است.

از همسر، سرکار خانم دکتر مهسا اوجی، بی‌نهایت سپاسگزارم؛ سپاسی با عشق برای تمام ارزش‌هایی که اگر او نبود بدان دست نمی‌یافتیم.